

بایسته‌های منبع‌شناسی سیره نبوی

علی بیات¹، سمیه طلوع برکاتی²

(دریافت مقاله: 96/03/27 - پذیرش نهایی: 96/06/26)

چکیده

محوریت سیره نبوی در فرهنگ و تمدن اسلامی، که شامل نقش واسطه‌ای پیامبر (ص) در دریافت آموزه‌های وحیانی و صورت‌بخشی بشری، اجتماعی، و فرهنگی - تمدنی به آن است، ایجاب می‌کند که اولاً وجوه مختلف این سیره شناخته شود و ثانیاً اصول انسان‌شناختی، اخلاقی، جامعه‌شناختی و به‌طور کلی، کارکردی آن در فرهنگ و تمدن اسلامی، برای فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی استخراج گردد. این مهم جز با توجه به بایسته‌ها و شناسایی انواع منابع سیره نبوی به دست نخواهد آمد. هدف این نوشتار تبیین بایسته‌های دینی - تمدنی منبع‌شناسی سیره (مبتنی بر وجوه مختلف شخصیتی آن حضرت)، شناخت گونه‌های آن، و تبیین نسبتشان با بایسته‌ها با نگاه کل‌نگر و به‌روش تحلیل محتواست. کتاب‌های مهم و شناخته‌شده درباره سیره نبوی شامل سه گونه سیره و مغازی، تواریخ عمومی، و تواریخ محلی مکه و مدینه‌اند که از دایره این تحقیق خارج‌اند و در عوض، گونه‌هایی همچون قرآن و کتاب‌های تفسیری، حدیثی، شرح احوال، کتاب‌های فتوح و خراج، و آثار جغرافیایی و کلامی تا قرن هفتم هجری بررسی شده‌اند که در مطالعات سیره‌پژوهی، کمتر مورد توجه بوده‌اند یا اصلاً توجهی به آنها نشده است.

کلیدواژه‌ها: سیره‌پژوهی، سیره نبوی، فرهنگ و تمدن اسلامی، منبع‌شناسی.

1. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ Email: abayat@ut.ac.ir

2. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران؛ Email: tolouebarakati@ut.ac.ir

Requirements of Recognition of the Sources of the Prophet Sīra

Ali Bayat¹, Somayeh Tolou Barakati²

(Received: 17 June 2017, Accepted: 17 September 2017)

Abstract

The centrality of the Prophet sīra (lifestyle) in Islamic culture and civilization, which includes the role of the intermediary of the Prophet in receiving the revelation and the human, social, and cultural-civilizational formation of it, requires that firstly, the various aspects of this sīra are known and secondly, its anthropological, moral and sociological principles, and, in general, its function in Islamic culture and civilization, are to be derived for making a culture and civilization. This will not be achieved except in the light of the requirements and identification of various kinds of the sources of the Prophet Sīra. The purpose of this article is by a holistic view and content analysis method to explain the religious-civilization requirements of the source's identification (based on the various aspects of his personality), the recognition of its varieties. Important and well-known books on Prophet life include three types of Sīra and Maghāzī, general Chronicles, and the local Chronicles of Mecca and Medina, which are excluded from this study. Instead, such types as the Qur'an and its interpretations, hadīth collections, biographical dictionaries, Futū (conquests) and Kharādj (land taxation) books, as well as geographical and theological works by the seventh century AH, which have been less studied or neglected in SĪRA studies, are examined.

Keywords: the study of the Prophet Sīra (lifestyle), Islamic culture and civilization, the study of Sīra sources.

1. Associated Professor, University of Tehran,
2. PhD Student, University of Tehran,

Email: abayat@ut.ac.ir.
Email: tolouebarakati@ut.ac.ir.

مقدمه

پیدایی تمدن اسلامی از پدیده‌های تأمل‌برانگیز تاریخ بشری است، چراکه در جغرافیا و از میان قومی برخاست که پیشینه درخشانی در کارنامه تمدن بشری نداشت، اما در کمتر از یک سده، جغرافیای وسیعی را در بر گرفت و جوامع و اقوام مختلفی را با فرهنگ‌ها، ادیان، زبان‌ها و آداب و رسوم متنوع به قلمرو فرهنگی - تمدنی خود کشاند. آنچه تمدن اسلامی را در جغرافیا و فرهنگ بدوی قوم عرب در جزیره‌العرب پایه‌ریزی کرد و سپس در سده‌های متمادی بسط و گسترش جغرافیایی و تاریخی آن در خارج از خاستگاه اولیه انسانی و جغرافیایی‌اش، عناصر متجانس و نامتجانس گوناگون را جذب و ترکیب کرد و از آن‌ها واحدی فرهنگی - تمدنی به نام فرهنگ و تمدن اسلامی پدید آورد، عوامل ذاتی و موجد آن، یعنی قرآن و سنت و سیره نبوی بود. قرآن، وحی الهی و دربردارنده و ارائه‌کننده مبانی، اصول، سیاست‌گذاری‌ها، و اهداف فرهنگ و تمدن اسلامی، و سنت و سیره رسول خدا^(ص) اسوه و الگوی ثابت فطری، عقلانی، انسانی، اجتماعی، و تاریخی آن است که حیات و نیازهای جامعه بشری، با توجه به متغیرها و مقتضیات عصری و نسلی، باید با آن انطباق داده شود. بنابراین، اهمیت سنت و سیره رسول خدا^(ص) در فرهنگ و تمدن اسلامی این است که معیار و مصداق صورت انسانی، اجتماعی، فرهنگی و تمدنی تعالیم و آموزه‌های قرآنی است؛ فرهنگ و تمدنی که فراروی مسلمانان در طول تاریخ و صورت آرمانی فرهنگ و تمدن بشری در فرجام تاریخ است. بنا بر چنین اهمیتی است که سیره آن حضرت را نه فقط در مقام فردی، که به لحاظ نوعی و رویکرد تاریخی، باید اسوه و الگوی فرهنگی و تمدنی اسلام به شمار آورد و شناخت آن حاصل نخواهد شد جز از رهگذر منبع‌شناسی سیره و درک بایسته‌های آن.

بایسته‌های منبع‌شناسی سیره

گرچه در مطالعه عوامل ذاتی و موجد فرهنگ و تمدن اسلامی، پرداختن به آموزه‌های وحیانی (قرآن کریم) به لحاظ نظری و معرفتی مبنایی‌تر است، در این نوشتار، سنت و سیره نبوی محور اصلی تحقیق است؛ اولاً به مقتضای رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، که رشته مطالعاتی نگارندگان بوده است، و ثانیاً، چنان‌که ذکر شد، بر این اساس که اگر سنت و سیره رسول خدا^(ص) نبود، آموزه‌های وحی صورت و مصداق فرهنگی-تمدنی نمی‌یافت. آن حضرت علاوه بر دریافت و ابلاغ وحی، به تعالیم الهی، جامعه بشری پوشاند

و طی ۲۳ سال نبوت، توانست آن‌ها را در متن جامعه محقق سازد و شالوده و منظومه فکری-فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی تمدن اسلامی را بر پایه آموزه‌های قرآن کریم استوار کند. مبانی شاکله شخصیتی رسول خدا^(ص)، که بایسته‌های منبع‌شناسی سیره، مأخوذ از آن‌هاست، به ترتیب عبارت‌اند از:

(۱) شأن بشری (شأن خلقی). پیامبر اسلام^(ص)، همچون دیگر انبیای الهی، دارای شأن و جنس «بشری» است؛ یعنی به لحاظ وجودی، خلقی بشری دارد و در ویژگی‌های فطری و ذاتی، تفاوتی میان ایشان و دیگر افراد بشر نیست. آیات قرآن به این شأن دلالت دارند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ» (توبه: ۱۲۸)، «قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» (ابراهیم: ۱۱)، «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ» (کهف: ۱۱۰؛ فصلت: ۶)، «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ» (انعام: ۹). چون انبیا از جنس بشر و دارای ویژگی‌های بشری هستند، برای دیگر انسان‌ها اسوه فکری، اخلاقی، اجتماعی، معیشتی، سیاسی، و فرهنگی-تمدنی‌اند و اگر جز این بود، اسوه و الگو نمی‌شدند و به دلالت آیات قرآنی، گفتار و رفتارشان مورد پذیرش یا رد اهل زمانه‌شان قرار نمی‌گرفت: «قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا» (ابراهیم: ۱۰)، «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ... مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ» (مؤمنون: ۳۳)، «وَأِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ، اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (انعام: ۱۲۴)، «وَمَا مَنَعَ النَّاسَ... أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا» (اسراء: ۹۴).

جز صفات ذاتی و فطری بشری، همچون محبت و عشق‌ورزی، تکلم و حدیث نفس، گرایش به حق، و گرایش به جاودانگی، که مشترک ذاتی میان همهٔ آحاد و افراد بشر است و نیز صفاتی غریزی همچون خوردن و خوابیدن، هر فرد صفاتی مختص به خود دارد که پایهٔ تعیین و تشخیص او از دیگر آحاد بشر است، همچون صفات خلقی و خلقی که زاییدهٔ وراثت، محیط جغرافیایی، تعلیم و تربیت، فرهنگ اجتماعی یا اراده و آگاهی فردی است؛ برای مثال، خصوصیات جسمی از این گونه‌اند. نکتهٔ مهم دربارهٔ شأن بشری پیامبر^(ص) این است که ضمن شناخت و تفکیک دو گونه صفات و ویژگی‌های ذاتی (مشترک) و عرضی (اختصاصی) بشری، باید توجه داشت صفات و ویژگی‌های ذاتی و مشترک شأن بشری پیامبر^(ص) مبنای اسوه بودن او برای دیگر انسان‌هاست، نه صفات و ویژگی‌های عرضی و اختصاصی آن حضرت.

(۲) شأن تشریعی (جعل احکام). بر اساس آیات قرآن، پیامبر در شأن و بُعدی دیگر،

عهده‌دار «رسالت» ابلاغ وحی و دستورات الهی و نیز جعل حکم در جامعه بشری برای هدایت انسان‌ها و تنظیم حیات فردی و جمعی آنان بود: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ» (کهف: ۱۱۰؛ فصلت: ۶)، «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (احزاب: ۴۵)، «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده: ۶۷)، «أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ» (بقره: ۲۸۵)، «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر: ۷)، «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ» (نساء: ۱۳-۱۴)، «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (احزاب: ۳۶). این شأن (جعل احکام) مختص رسول خدا^(ص) است و پس از قرآن، پایه و مایه ثابت فرهنگ و تمدن اسلام است و محدود به زمان (عصر نبوت)، مکان (جزیره‌العرب)، و قوم خاصی (قوم عرب) نیست: «يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ» (نساء: ۱۷۰)، «قُلْ يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا... فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (اعراف: ۱۵۸)، «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبا: ۲۸)، «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷). بر اساس این آیات و دیگر آیاتی که پیامبر را به عنوان رسول خدا بر همه انسان‌ها معرفی کرده و ایمان و پیروی از ایشان را شرط هدایت دانسته، میراث فرهنگ و تمدن مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، که آن حضرت پایه‌ریزی کرد، در هر زمان و مکانی، قابل‌الگو برداری و استمرارپذیر و برای همگان قابل‌تأسی و پیروی است.

۳) شأن تنفیذی (شأن اجرایی و مدیریتی). رسول خدا^(ص)، در شأن دیگر، احکام و اوامر و نواهی الهی را بنا بر شرایط و مقتضیات عصری و نسلی خود اجرا می‌کرد و ناگزیر، در این موارد، در چارچوب اقتضائات محیط خود گام برمی‌داشت. آن حضرت در جغرافیای خشک و کم‌محصول حجاز و در میان مردمانی بت‌پرست و بدوی با ساختار اجتماعی قبیله‌محور مبعوث شد و در چنان شرایطی، آموزه‌ها و احکام وحیانی اسلام را اجرا و جامعه را مدیریت می‌کرد. تبعیت و الگو برداری از سیره نبوی ایجاب می‌کند این صورت‌ها و پوسته‌های مقتضیات عصری و نسلی از بعد اجرایی و مدیریتی ایشان زدوده شود و اصول و رفتارهای ثابت سیره آن حضرت در شأن مدیریتی شناخته، استخراج، و الگو برداری گردد.

بر اساس سه شأن بشری، تشریحی، و تنفیذی است که شخصیت رسول خدا^(ص) را باید اسوه ثابت انگاشت؛ چنان که قرآن کریم نیز پیامبر را «اسوه» معرفی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱). بنا بر این آیه، اسوه بودن رسول خدا^(ص) منحصرأً برای مسلمانان نیست و همه معتقدان به توحید و معاد و کسانی که خدا را در همه حال و همه چیز یاد می‌کنند در بر می‌گیرد؛ یعنی همه انسان‌های معناگرا و کمال‌گرا را. حاصل آنکه شأن بشری، شأن تشریحی، و شأن تنفیذی و برآیند آن سه، یعنی اسوه بودن رسول خدا^(ص)، ایجاب می‌کند که اولاً، مبانی سیره آن حضرت به دقت شناخته شود و ثانیاً از آن مبانی، اصول انسان‌شناختی، اخلاقی، جامعه‌شناختی و کارکردی برای ساخت و حفظ فرهنگ و تمدن اسلامی استخراج گردد. برای نیل به این مهم، هر چه تنوع و تعدد منابع بیشتر باشد، امکان شناخت ابعاد و جزئیات سیره نبوی بیشتر فراهم می‌آید و فهمی واقع‌گرایانه‌تر از آن حاصل می‌شود. در این نوشتار، به تبیین جایگاه و نسبت گونه‌هایی از نوشته‌های مسلمانان تا پایان قرن هفتم هجری با بایسته‌های مذکور و ذکر کلیات محتوایی، بینشی، و روشی بهره‌گیری از آن‌ها پرداخته می‌شود که در مطالعات سیره‌پژوهی کلاً یا بعضاً از آن‌ها غفلت شده است.

از جمله کتاب‌هایی که آگاهی‌هایی درباره پیامبر^(ص) به دست می‌دهند قرآن کریم، کتاب‌های سیره و مغازی، تواریخ عمومی، تواریخ محلی مکه و مدینه، آثار حدیثی، نوشته‌های شرح احوال، آثار فتوح و خراج، و کتاب‌های جغرافیایی و کلامی هستند. از آنجا که در سیره‌پژوهی‌ها، غالباً کتاب‌های سیره و مغازی، تواریخ عمومی، و تواریخ محلی مکه و مدینه مورد استفاده قرار گرفته‌اند و شناخته‌شده‌تر هستند، در این تحقیق به آن‌ها پرداخته نشده و دیگر گونه‌های مذکور مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۱. قرآن کریم و تفاسیر

قرآن کریم، به‌عنوان کلام خدا و اصلی‌ترین منبع معرفت اسلامی، اصلی‌ترین منبع مطالعه سیره نبوی است، زیرا جایگاه وجودی و شئون رسول خدا^(ص) را از منظر علم و کلام الهی تبیین می‌کند؛ یعنی از منظر و زاویه وحی به وجوه هستی‌شناختی انسانی، عقلانی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نیز کارکردگرایی فرهنگی و تمدنی به شخصیت آن حضرت می‌نگرد و مطالعه و تتبع در آیات آن، برای شناسایی معیارهای ثابت فهم صحیح و واقع‌گرایانه از شخصیت و سیره آن حضرت ضروری است.

علاوه بر شئون سه‌گانه اسوه بودن پیامبر^(ص) که پیش از این گفته شد، از میان مواد و اطلاعات گوناگونی که قرآن به سبیل اجمال و اشاره و به‌عنوان معیار و ملاک، درباره مبانی هستی‌شناختی و ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی پیامبر^(ص) به دست می‌دهد، موارد زیر در این مجال محدود قابل ذکر است:

الف) وصف مختصری از فضای اجتماعی زندگی حضرت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِيَلْفَافِ قُرَيْشٍ إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۱-۴).

ب) وصف گوشه‌ای از وضع زندگی فردی ایشان: «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ» (ضحی: ۶-۸) و «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» (انشراح: ۱-۴).

ج) برخی مبانی وجودی و هستی‌شناختی و ویژگی‌های فکری و اخلاقی، همچون:

- عبودیت. محوری‌ترین ویژگی انبیا در قرآن کریم عبودیت است، چنان‌که درباره حضرت عیسی گفته شده: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم: ۳۰) و «إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ» (زخرف: ۵۹). رسول خدا^(ص) در تمام عمر، هرگز جز خدا را بندگی نکرد و برای خداوند شریک قائل نشد: «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُعْبِدَ اللَّهَ مَخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (زمر: ۱۱)، «قُلْ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي» (زمر: ۱۴)، «قُلْ أُوْصِيَ اللَّهُ بِمَا نَهَيْتُ أَنْ أُعْبِدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (غافر: ۶۶).

- اعتقاد به انبیای پیشین. پیامبر اکرم به همه انبیای پیش از خود مؤمن و تصدیق‌کننده رسالت و کتاب‌های آسمانی آنان بود: «أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ...» (بقره: ۲۸۵) و «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ» (آل عمران: ۸۱).

- تقوا. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (احزاب: ۱).

- حیا؛ «إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤدِّي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ» (احزاب: ۵۳).

- نرم‌خویی؛ «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹).

- شرح صدر؛ «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (انشرح: ۱).

در چنین ظرف شخصیتی‌ای، پیامبر عهده‌دار مسئولیت رسالت بود و از بعد تشریحی، مسئولیت و اختیارات و از بعد مدیریتی، عملکردی داشت که شامل دلالت‌های سیره‌ای است. برخی از این مسئولیت‌ها و عملکردها عبارت‌اند از:

- هدایت؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (انفال: ۲۴)، «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (احزاب: ۴۵) و «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه: ۱۲).

- مرجعیت داوری و تشخیص؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (نساء: ۵۹)، «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَلَا يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء: ۶۵)، «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (نساء: ۸۳)، «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أَحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَي رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (مائده: ۹۲)، «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ... وَ إِن تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَ مَا عَلَي الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (نور: ۵۴)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ» (محمد: ۳۳) و «وَ اعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ» (حجرات: ۷).

- فرماندهی نظامی؛ «إِذْ تَصْعَدُونَ وَ لَا تَلْوُونَ عَلَي أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ عَمَّا بَعَّمْ لِكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَي مَا فَاتَكُمْ وَ لَا مَا أَصَابَكُمْ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (آل عمران: ۱۵۳)، «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ بئسَ الْمَصِيرُ» (توبه: ۷۳).

- مدیریت مالی؛ «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ... وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (انفال: ۱)، «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» (انفال: ۴۱)، «مَا آفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ... وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر: ۷).

کتاب‌های تفسیری، در هر سه نوع نقلی، عقلی، و جامع، با گرایش‌های ادبی، عرفانی، و اجتهادی‌شان نسبت به جایگاه و شئون سه‌گانه رسول خدا^(ص) بینش‌آفرین نیستند یا کمتر روشن‌گرند، اما از لابه‌لای مطالب آن‌ها می‌توان نکات و اشاراتی در این باره به دست آورد (برای نمونه، برای تأکید بر شأن بشری رسول خدا^(ص)، نک: ابن‌عربی، ۱۲۵/۱، ذیل آیه ۱۴۴ از سوره آل‌عمران، ۲۷۵/۱، ذیل آیه ۱۲۸ از سوره توبه؛ فخر رازی، ۱۷۸/۱۶، ذیل آیه ۱۲۸ از سوره توبه، ۵۰۳/۲۱، ذیل آیه ۱۱۰ از سوره کهف؛ قشیری، ۷۶/۲، ذیل آیه ۱۲۸ از سوره توبه، ۴۱۷/۲، ذیل آیه ۱۱۰ از سوره کهف. برای تأکید بر شأن تشریحی و وجوب اطاعت از پیامبر^(ص)، نک: ابن‌عربی، ۱۴۷/۱، ذیل آیه ۶۴ از سوره نساء؛ صنعانی، تفسیر القرآن، ۱۶۶/۱، ذیل آیات ۸۳، ۵۹ از سوره نساء؛ قشیری، ۶۰/۱، ذیل آیه ۱ از سوره انفال. برای تبیین گوشه‌هایی از شأن مدیریتی آن حضرت، نک: صنعانی، همان، ۲۸۳/۲، ذیل آیه ۷۳ از سوره توبه؛ ابوجعفر طوسی، ۲۵۹/۵، ذیل آیه ۷۳ از سوره توبه؛ عیاشی، ۶۱/۲-۶۳، ذیل آیه ۴۱ از سوره انفال؛ فخر رازی، ۱۰۳/۱۶، ذیل آیه ۷۳ از سوره توبه، ۵۷۳/۳۰، ذیل آیه ۹ از سوره تحریم؛ قمی، ۲۵۴/۱-۲۵۵، ذیل آیه ۱ از سوره انفال. برای شرح برخی صفات ایشان، مثل محبت و ادب نیز نک: فخر رازی، ۴۰۵/۹، ذیل آیه ۱۵۹ از سوره آل‌عمران).

۲. کتاب‌های حدیثی

کتاب‌های گونه حدیثی، که از منابع مختلف دینی و قبیله‌ای اخذ شده‌اند، در بردارنده آگاهی‌های گسترده و متنوعی درباره رسول خدا^(ص) و اخباری راجع به اجداد، قبیله، بستگان، و محیط اجتماعی او هستند. این مواد و اطلاعات، اگرچه زمانمند و مکانمند نیستند و غالباً در زمینه‌های فقهی یا کلامی ثبت و ضبط شده‌اند، از مواد اصلی و خام سیره نبوی محسوب می‌شوند و جزئیاتی را ذکر می‌کنند که گاه در دیگر گونه‌ها به چشم نمی‌خورند و در تبیین ابعاد مختلف سیره نبوی بسیار مهم و ارزشمندند.

آن دسته از کتاب‌های حدیثی که فقط مشتمل بر موضوعات فقهی‌اند، یعنی موطأ، مصنف و سنن، از یک‌سو، به‌خوبی و روشنی مبین وجه تشریحی سیره نبوی هستند و از سوی دیگر، با نقل ماجراهای جزئی منجر به صدور حکم در ضمن بیان احادیث احکام، در تبیین فضاهای زمانی و مکانی پیامبر و فهم و استخراج علل و اصول وجوه مختلف مدیریتی ایشان مفیدند. برخی از این کتاب‌ها دامنه مطالب خود را به قبل از اسلام

کشانده‌اند و با اطلاعاتی درباره جایگاه اجتماعی پیامبر^(ص) و خاندانش (صنعانی، مصنف، ۳۱۳/۵، ۳۱۹)، در ترسیم زمینه‌های اجتماعی و تحلیل فرهنگی و تمدنی قابل استفاده‌اند. مطالب مربوط به رفتار و برخورد رسول خدا با کسانی که به اسلام اظهار تمایل می‌کردند (همان، ۳/۶)، مکاتبه و برقراری رابطه با بزرگان شبه‌جزیره و کشورهای همسایه، مراعات آداب مخاطب نامه، مثل تهیه مهر برای نامه به پادشاه ایران (ابوداود سجستانی، ۲۹۳/۲)، فرمان به آموختن زبان عبری و سریانی برای مکاتبه (ترمذی، سنن، ۱۶۷/۴)، آزاد گذاشتن افراد در دینشان (صنعانی، همان، ۹۰/۶) و پاسخ به نامه و سلام مشرکان (همان، ۱۳/۶) روش و سیاست کلی پیامبر در گسترش دعوت را نشان می‌دهد. جوامع حدیثی (مشمول بر همه ابواب حدیثی.^۱ نک: صالح، ۲۱۲)، علاوه بر بخش‌های مستقل درباره زندگی پیامبر^(ص)،^۲ حاوی اطلاعاتی پراکنده اما مکمل، مصحح، یا مؤید داده‌های سایر کتاب‌ها نیز هستند. در این میان، جزئی‌ترین اطلاعات، در مسندها و مطالب کلی‌تر، بیشتر در صحیح‌ها یافت می‌شوند. در جوامع حدیثی، جزئیات مهمی درباره اوضاع فرهنگی و اجتماعی حجاز مطرح شده که قابل برداشت و تحلیل تاریخی و تمدنی و در تبیین شأن مدیریتی پیامبر اکرم، بسیار مفیدند. برای نمونه، حدیث «الناس تبع لقریش فی الخیر و الشر» (ابن حبان، ۱۵۸/۱۴) به جایگاه قریش نزد عرب اشاره دارد و نقل ماجرای بازسازی کعبه و نزاع بر سر نصب حجرالاسود (حاکم نیشابوری، ۴۵۸/۱) تصویری از تعصب و تفاخر قبیلگی را می‌نمایاند.

تک‌نگاری‌های روایی (کتاب‌های حدیثی با یک موضوع مشخص) نیز حاوی اطلاعات کلی منطبق با عناوینشان هستند. در میان تک‌نگاری‌ها، *ترکة النبی حماد بن اسحاق بغدادی* (متوفای ۲۶۷ ق) به وضع معیشت و مدیریت اقتصادی پیامبر^(ص)، مثل زهد و قناعت حضرت و خانواده‌شان پرداخته^۳ (بغدادی، ۶۴) و *الشمائل المحمدية و الخصائل المصطفوية* ترمذی (متوفای ۲۷۹ ق) به ویژگی‌های خلقی و خلقی آن حضرت، همچون

۱. ابواب هشت‌گانه عبارت‌اند از عقاید، احکام، رفاق، آداب طعام و شراب، تفسیر و تاریخ و سیر، سفر و قیام و قعود، فتن، مناقب و مثالب.

۲. برای نمونه، جلد چهارم و قسمتی از جلد پنجم صحیح بخاری، حدود ۴۰۰ صفحه از جلد چهاردهم صحیح ابن حبان، «کتاب الهجرة» و «کتاب المغازی و السرایا» از *المستدرک علی الصحیحین* حاکم نیشابوری، و «باب مولد النبی و وفاته» از کتاب *الحجة در الکافی* شیخ کلینی به زندگی نامه پیامبر^(ص) اختصاص دارد.

۳. «ما شبع آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم من الشعیر یومین حتی قبض رسول الله».

خنده‌رویی^۱ (ترمذی، *الشمائل*، ۱۸۶) و حیا^۲ (همان، ۲۹۷)، اشاره داشته است. اما در دیگر تکنگاری‌های حدیثی، مواد و اطلاعات سیره نبوی جزئی و پراکنده، اما نسبتاً فراوان و اغلب ذیل عناوین مرتبط با اهل بیت آن حضرت آمده است.

ذکر سه نکته در اینجا ضروری است: نخست آنکه شایسته است از نهج البلاغه به عنوان یکی از منابع ارزنده حدیثی (البته نه به معنای مصطلح)، یاد شود که غفلت از آن موجب نقص مطالعات سیره‌پژوهی شده است. این کتاب با اینکه همه روایات علی بن ابی‌طالب^(ع) را شامل نیست، از نظر وثاقت و هم از جهت راوی اصلی، علی بن ابی‌طالب، و هم از جهت گردآورنده آن، شریف رضی (متوفای ۴۰۴ ق)، مورد توجه متفکران مسلمان و غیرمسلمان قرار داشته و دارد. امام علی^(ع)، که هم دوره جاهلی و هم دوره رسالت را درک کرد، در بیشتر حوادث زندگی پیامبر^(ص) در کنار آن حضرت حضور داشت و پس از رحلت پیامبر^(ص) در نقل سنت و سیره نبوی، مورد اعتماد عموم مسلمانان بود. علی^(ع) با رویکرد هستی‌شناختی، روان‌شناختی، و جامعه‌شناختی، اطلاعات دقیقی از شرایط اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی قبل و بعد از بعثت ارائه و وضع معیشتی ناگوار، نابسامانی اجتماعی، و جهل حاکم بر عرب (نهج البلاغه، ۲۶، ۸۸، ۱۴۷-۱۴۹) را به خوبی وصف کرده است. این اطلاعات زمینه مناسبی برای شناخت ابعاد شخصیت و زندگی پیامبر^(ص) و تحلیل و برداشت‌های فرهنگی و تمدنی از سیره نبوی فراهم می‌آورد. دوم آنکه عمده مواد و مطالب کتاب‌های گونه حدیثی مربوط به پس از هجرت نبوی‌اند. این مواد، مسئله هجرت و چگونگی آن، اقدامات اجتماعی پیامبر، از قبیل رفتار و تعامل با مسلمانان و اهل کتاب، نامه‌ها، قراردادهای، نحوه مدیریت مدینه در غیاب پیامبر، رفتار معیشتی و اقتصادی ایشان، روایات مربوط به غزوات و سریه‌ها - که به وفور در همه انواع کتاب‌های حدیثی یافته می‌شود - تحولات صورت گرفته در مدینه، و خط سیر پیامبر^(ص) در بیرون بردن جامعه از فضای جاهلی و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری تمدن اسلامی را به دست می‌دهند. سوم آنکه به جز اطلاعات مستقیمی که کتاب‌های گونه حدیثی درباره زندگی پیامبر^(ص) در اختیار قرار می‌دهند، احادیث نبوی، از آن حیث که سخن پیامبرند و مبین مواضع ایشان در قبال مسائل مختلف، خود مواد تاریخی بسیار مهمی در مطالعه سیره نبوی به شمار می‌آیند. مثلاً احادیث ذیل موضوع عقل^۳ (کلینی، ۲۶/۱)، علم و تأکید بر

۱. «ما رأیت احداً أكثر تبسماً من رسول الله».

۲. «كان رسول الله^(ص) أشد حياء من العذراء في خدرها وكان إذا كره شيئاً عرف في وجهه».

۳. «إذا رأيتم الرجل كثير الصلاة كثير الصيام فلا تباهاوا به حتى تنظروا كيف عقله».

نشر آن^۱ (همان، ۳۰/۱)، و اهمیت تعلیم و تربیت نزد رسول خدا، ضمن آنکه مبین سیره آن حضرت‌اند، روشن می‌کنند که آن حضرت چگونه زیرساخت‌های فکری و فرهنگی تمدن اسلامی را شکل دادند، به‌گونه‌ای که در هر زمان و مکانی، قابل اجرا و مداوم باشند.

۳. کتاب‌های شرح احوال

در کتاب‌های شرح احوال، اطلاعات در سه قالب طبقات، انساب، و فرهنگ‌نامه ارائه شده‌اند. کتاب‌های این گونه مشتمل بر اطلاعات مهمی درباره نقش و فعالیت‌های اشخاص و قبایل در رابطه با رسول خدا^(ص) هستند که ممکن است دست‌مایه مطالعات فکری - فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی در مرحله آغازین پیدایی تمدن اسلامی قرار گیرند.

کتاب‌های طبقات، علاوه بر اطلاعات مستقیم از زندگی رسول خدا^(ص)، با ارائه گزارش‌های ارزشمندی درباره روابط و مناسبات صحابه با پیامبر و با یکدیگر، طرحی از مناسبات و سیره اجتماعی پیامبر^(ص) و اقشار و گروه‌های مرتبط با آن حضرت به دست می‌دهند. همچنین مملو از اطلاعات گوناگون درباره تقدم و تأخر و چگونگی اسلام آوردن صحابه، مهاجرت آنان به مناطق مختلف، و نقش آنان در رویدادهای مختلف فکری - فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی عصر نبوت و پس از آن هستند. مهم‌ترین نمونه این گونه، *الطبقات الکبری* از محمد بن سعد (متوفای ۲۳۰ ق) است که به‌سبب شکل تنظیم مطالبش بر اساس سه معیار (۱) صفت مشترک (صحابی بودن)، (۲) مکان، و (۳) زمان، در وصف و تحلیل حضور و تأثیر افراد و خاندان‌ها در فرایند گسترش اسلام و تشکیل و تحقق پایه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی در مکه و مدینه، حائز اهمیت فراوان است.

در طبقاتی که اختصاص به علمای خاص دارد، همچون طبقات شعرا، به‌دلیل اینکه مطالب را از دوره جاهلی شروع می‌کنند، اطلاعات خوبی از سیره اجتماعی پیامبر^(ص) و روش ایشان در اکرام و جلب قلوب شعرا، به‌عنوان طبقه‌ای بسیار تأثیرگذار در حیات فکری - فرهنگی جامعه عرب، ارائه می‌شود. بخشایش و پناه دادن پیامبر به کعب بن زهیر (ابن‌سلام، ۴۶-۴۷) و قبول اسلام مالک بن نویره و سپردن مسئولیت گرفتن زکات از قبیله‌اش به او (همان، ۸۲-۸۴) نمونه‌هایی از این رویکرد پیامبر^(ص) است. کتاب‌های انساب «قبیله» محورند و غالباً بر اساس ترتیب الفبایی نام قبایل تنظیم شده‌اند. این کتاب‌ها از منابع اصلی برای کسب اطلاعات درباره مناسبات دوجانبه رسول

۱. «طلب العلم فریضة علی کل مسلم، ألا إن الله یحب بغاة العلم».

خدا^(ص) و قبایل و فرایند گروش آن‌ها به اسلام، به‌ویژه در موضوع وفود، هستند که ذیل نام‌های قبایل، از ورود گروه‌های نمایندگی قبایل به مدینه و دیدار با رسول خدا، نحوه تعامل پیامبر^(ص) با آنان، و قراردادهایی که گاه با آن‌ها می‌بستند، سخن می‌گویند؛ همچون آزادی اسرا و پس دادن اموال بنوالعنبر (سمعانی، ۴۳۷/۳)، سپردن کلید کعبه به بنوعبدالدار (همان، ۴۸۶/۳)، و تغییر نام بنو غیان به بنورشدان (ابن‌اثیر، ۴۵۹/۱).

کتاب‌های انساب، با نکاتی که از سیره اجتماعی و سیاسی پیامبر به دست می‌دهند، روش آن حضرت را در ابلاغ دعوت و گسترش جغرافیایی اسلام و شکل‌دهی بُعد اجتماعی تمدن اسلامی نشان می‌دهند. ضمن اینکه به دلیل ذکر نَسَب اشخاص و قبایل، بافت و ساختار و مناسبات اجتماعی شبه‌جزیره مقارن ظهور اسلام و پس از آن را ارائه می‌کنند که روشن‌کننده برخی از اقتضات اجتماعی عصر نبوی است. نمونه منحصر به فرد این نوع، *انساب الاشراف* بلاذری (متوفای ۲۷۹ ق) است که رویدادها و تحولات تاریخی را در زمینه و ساختار قبیله‌ای عرب دیده و بررسی کرده است. بلاذری مطلب را از پیش از ولادت پیامبر شروع کرده و برخی مناسبات اجتماعی قبیله و اجداد پیامبر^(ص) را که بیانگر موقعیت خانوادگی و اجتماعی ممتاز و مؤثر در تربیت و تکوین تاریخی شخصیت آن حضرت هستند، شرح داده است.

فرهنگ‌نامه‌ها نیز جامع و شامل خلاصه محتویات کتاب‌های طبقات و انساب، با رویکرد فرهنگی - اجتماعی و با نظمی الفبایی هستند. در فرهنگ‌نامه‌ها، سیره نبوی از منظر ارتباط و تعامل صحابه و پیامبر^(ص) قابل بررسی است.

به‌طور کلی، کتاب‌های گونه شرح احوال، علاوه بر اطلاعات نَسَبی و زندگی‌نامه‌ای پیامبر^(ص)، که بیانگر شبکه ارتباطات اجتماعی و ساختار خانوادگی آن حضرت و تأثیر آن در زمینه‌سازی رسالت ایشان است، از طریق گزارش احوال و مناسبات افراد و قبایل با پیامبر^(ص)، جوهری از مدیریت اجتماعی، سیاسی، و بین‌المللی حضرت (در مقیاس آن روزگار) را نشان می‌دهند. مطالعه دقیق و استخراج و تحلیل مواد تاریخی این کتاب‌ها تعامل و مناسبات صحابه (به‌عنوان نسل اول گروندگان به اسلام) با پیامبر، نقش آنان در رویدادها و تحولات عصر نبوی و پس از آن، تعامل رسول خدا^(ص) با آنان، توجه به مبانی مشترک فطری و فکری افراد در جذب آنان، و ایجاد همبستگی اجتماعی و سیاسی و پایه‌ریزی یک تمدن را نشان می‌دهد و مبین آن است که الگوی مدینه‌النبی چگونه در جزیره‌العرب پدید آمد و توسط صحابه به سرزمین‌های مجاور بسط یافت.

۴. کتاب‌های فتوح و خراج

کتاب‌های فتوح و خراج آثاری هستند با موضوع وصف روند دعوت دینی و گسترش اسلام یا به تعبیر دیگر، بسط جغرافیایی اسلام، و نیز چگونگی اداره امور سرزمین‌های فتح‌شده به دست مسلمانان. پس از وحدت فکری، اجتماعی، و سیاسی پدیدآمده در جزیره‌العرب در اثر ۲۳ سال مجاهدت پیامبر^(ص)، اعراب مسلمان با دولت‌های هم‌جوار ارتباط برقرار و گسترش اسلام را به طرق گوناگون، از جمله فتوحات، آغاز کردند و به تدریج، کتاب‌هایی به نام «فتوح» در وصف گسترش اسلام و عمدتاً درباره وقایع و چگونگی فتح سرزمین‌ها به‌روش نظامی یا مصالحه، و آثاری نیز به نام «خراج» و «اموال» در نحوه اداره امور مالی اراضی و شهرها و حقوق و وظایف شهروندی مردمان ساکن مناطق فتح‌شده، تألیف و تدوین کردند.

کتاب‌های گونه فتوح و خراج نکات مهمی از سیره و رفتار تبلیغی و نتایج مهمی از مدیریت اجتماعی و مناسبات بین‌المللی پیامبر، بنا به مقتضیات آن روزگار، به دست می‌دهند و گوشه‌هایی از سیره تبلیغی حضرت را روشن می‌کنند؛ زیرا مشتمل بر اطلاعات فراوانی هستند درباره مبانی، اصول، روش‌ها، و اهداف پیامبر^(ص) در گسترش اسلام، چگونگی برقراری رابطه با دولت‌های هم‌جوار و مناطق و سرزمین‌های همسایه و به‌عبارتی، زبان و ادبیات دیپلماسی آن حضرت در مکاتبه با سران دولت‌ها، و نیز مدیریت حقوق اجتماعی و مالی و مسائل فکری آن حضرت. به‌عنوان نمونه، نامه‌ها و سفیران پیامبر^(ص) به مناطق مختلف حجاز و سرزمین‌های همسایه، آموزش‌های عملی، و توصیه‌های آن حضرت در نحوه تعامل با بزرگان و ساکنان هر منطقه، آموزش‌های اخلاقی و توصیه‌های مردم‌دارانه پیامبر^(ص) به فرماندهان سربازها، تعامل آن حضرت با اسرا و تصمیم‌ها و دستورهایش درباره خائنان و پیمان‌شکنان پس از هر غزوه و سربزه، بیانگر سیره پیامبر^(ص) و سیاست تبلیغی - ترویجی آن حضرت برای نفوذ اسلام میان افراد و گروه‌ها برای ایجاد وحدت اجتماعی و تشکیل امت واحده اسلامی است. وجه بارز و ممتاز کتاب‌های این گونه، شروع فرایند گسترش اسلام از عصر نبوی، و نه از دوره خلفا، است؛ چنان‌که در این آثار، سیره و عملکرد پیامبر^(ص) در امر دعوت و گسترش دین و فرهنگ دینی اسلام و نحوه اداره مناطق، مقدم داشته شده و فتوحات و سیاست‌گذاری‌های دوره جانشینان در پیوند با سیره و اقدامات رسول خدا^(ص) در گسترش جغرافیایی اسلام مطرح شده است. این نگاه، به‌ویژه در دو کتاب فتوح البلدان

بلاذری و *الخراج و صنعة الكتابة* قدامة بن جعفر (متوفای ۳۲۸ ق) آشکارتر است. هر دو کتاب موضوع فتوحات را از ورود پیامبر^(ص) به مدینه (بلاذری، ۱/۱؛ قدامة بن جعفر، ۲۵۶) آغاز کرده‌اند و با رعایت ترتیب زمانی وقایع، فرایند گسترش اسلام را در عصر نبوی به دوره خلافت ابوبکر و خلفای بعدی پیوند داده‌اند. قدامة بن جعفر در مسائل مالی و اداری نیز، گزارشی از عملکرد پیامبر^(ص) نقل و اطلاعات مربوط به دوره خلفا را ارائه کرده است؛ برای نمونه، تفاوت قائل شدن پیامبر بین کسانی که با رغبت اسلام آوردند و آن‌ها که با اکراه، و استمرار آن در دوره ابوبکر (همان، ۲۱۱) و قرار جزیه با اهل تیماء، که در دوره عمر بن خطاب هم بر همان منوال بود، از این دست‌اند (همان، ۲۶۱). کتاب‌های خراج و اموال نیز، همچون کتاب‌های فتوح، در تبیین شأن تشریحی پیامبر حائز اهمیت‌اند، چراکه احادیث و احکامی فقهی در امور مالی و اقتصادی اسلام را در بر می‌گیرند. چگونگی اجرای آیات قرآن در مسائل مالی، مدیریت و تعاملات اقتصادی پیامبر با ساکنان و همسایگان مدینه، قراردادهای مالی با اهالی مناطق مختلف جزیره‌العرب، اعم از مسلمان و اهل کتاب، و نحوه استناد صحابه به احادیث آن حضرت در دوره‌های بعد، از کتاب‌های خراج به دست می‌آید. بیشترین مطالب مرتبط با پیامبر اکرم^(ص) در این کتاب‌ها، چگونگی و زمان تقسیم غنائم (ابویوسف قاضی، ۱۸، ۱۹۷)، تقسیم زمین‌ها (همان، ۶۸) و آب (یحیی بن آدم، ۳۹، ۴۲)، فیه (ابویوسف قاضی، ۸۹-۹۰)، خمس (همان، ۱۹-۲۰)، اقطاع (همان، ۶۱)، و قراردادهای جزیه و خراج (همان، ۷۱-۷۳، ۱۲۹) است. همچنین فراتر از امر خراج، اما در پیوند با آن، گزارش‌هایی درباره کارگزاران امور مالی، فرمان‌ها و توصیه‌های پیامبر به آن‌ها (همان، ۷۷، ۸۱-۸۳، ۹۷، ۹۹، ۱۳۱)، و سیره نظامی پیامبر^(ص) (همان، ۱۹۱-۱۹۳، ۱۹۵) به دست می‌دهند. نکاتی از مدیریت و رفتار اجتماعی پیامبر^(ص)، مثل احکام دیه (همان، ۱۵۵) و حد (همان، ۱۵۳، ۱۶۴)، و تصمیم‌گیری برای اهل کتاب (همان، ۱۲۹، ۱۳۱) هم در این کتاب‌ها آمده است. در کتاب‌های اموال، به‌ویژه *الاموال* ابوعبید قاسم بن سلام (متوفای ۲۲۴ ق) و *الاموال* ابواحمد حمید بن مخلد از دی خراسانی، معروف به ابن‌زنجویه (متوفای ۲۵۱ ق)، مجموع اطلاعات کتاب‌های فتوح و خراج با هم آمده است و پیش از طرح احکام و مسائل مالی، چگونگی ورود اسلام به مناطق مختلف جزیره‌العرب ذکر شده و در ابتدای هر موضوع، سیره و عملکرد پیامبر در آن موضوع آورده و اطلاعات تاریخی فراوانی از سیره نبوی عرضه شده است.

به دلیل تمرکز بر موضوع فتوحات و نحوه مدیریت مالی و اداری سرزمین‌های اسلامی و انسجام داده‌ها، کتاب‌های گونه فتوح و خراج در ترسیم الگوی مدیریتی پیامبر (ص) در موضوعات گسترش اسلام، برقراری مناسبات اجتماعی و تعاملات فرهنگی با پیروان دیگر ادیان و فرهنگ‌ها، چگونگی تشریح و اجرای احکام مالی و مالیاتی و حقوق و آداب جنگ، منابع ارزنده‌ای هستند. از آنجا که کتاب‌های این گونه سیر منطقی و زمانمندی را از عصر نبوی آغاز می‌کنند و تا دوره‌های بعد ادامه می‌دهند، می‌توان جایگاه و نقش سنت نبوی را در ارکان سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی تمدن اسلامی از محتویات و مطالب آن‌ها به دست آورد.

۵. آثار جغرافیایی

در نوشته‌های جغرافیایی مسلمانان، که ذیل عناوین گوناگون جغرافیای عمومی و توصیفی (تشنر و مقبول احمد، ۱۶-۲۴؛ قرچانلو، ۱/۲۵-۳۷، ۸۶-۸۷)، ریاضی و نجوم (تشنر و مقبول احمد، ۴۶؛ قرچانلو، ۱/۴۱-۴۳)، کیهان‌شناسی (تشنر و مقبول احمد، ۴۱-۴۲؛ قرچانلو، ۱/۱۳۳)، فرهنگ‌نامه (تشنر و مقبول احمد، ۴۳؛ قرچانلو، ۱/۱۳۶؛ لسترنج، ۱۷)، مسالک و ممالک (احمد، ۲۲؛ تشنر و مقبول احمد، ۱۵؛ لسترنج، ۱۳-۱۶)، سفرنامه (تشنر و مقبول احمد، ۴۴)، جغرافیای دریانوردی (همان، ۴۴-۴۵؛ قرچانلو، ۱/۱۰۱-۱۱۱)، مزارات (تشنر و مقبول احمد، ۴۲؛ قرچانلو، ۱/۱۱۵)، جغرافیای محلی (احمد، ۲۲-۲۳؛ تشنر و مقبول احمد، ۴۷-۴۸؛ قرچانلو، ۱/۱۳۴)، و عجایب‌نگاری (همان، ۱۱۲-۱۱۵) نگاشته و تقسیم شده‌اند، مطالبی مرتبط با سیره پیامبر آمده‌اند که عبارت‌اند از وصف جزیره‌العرب، خصوصاً مکه و مدینه، ذکر اسامی یا وصف مکان‌هایی که به نوعی مرتبط با وقایع عصر نبوی‌اند، همچون مکان غزوه‌ها و سربیه‌ها و شهرهای مرتبط با صحابه، و روایات جعلی یا اصلی پیامبر در فضیلت یا مذمت شهرها و مناطق. آنچه در بیان موقعیت و مختصات جغرافیایی جزیره‌العرب، به‌ویژه مکه و مدینه، آمده است در واقع، وصف زمینه جغرافیایی ظهور اسلام و خاستگاه فرهنگ و تمدن اسلامی است. از آنجا که بخش عمده‌ای از مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی هر منطقه وابسته به جغرافیای آن است و عوارض طبیعی و اقلیمی، شرایط کشاورزی و دامداری، راه‌ها، و وضعیت تجاری نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت کلان فرهنگی و تمدنی و راهبردی آن‌ها ایفا می‌کنند و سیاست و روابط هر منطقه با مناطق دیگر را رقم

می‌زنند، اطلاعات جغرافیایی دربارهٔ محیط پیدایش اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی از مواد اصلی تحلیل مسائل عصر نبوی‌اند و بخشی از رفتارها و سیاست‌گذاری‌های رسول خدا به کمک معلومات جغرافیایی دقیق‌تر کشف و تحلیل خواهد شد.^۱ از همین رو، منابع جغرافیایی، کمک بزرگی هستند در فهم حوادث تاریخی در بستر جغرافیا و در نتیجه، فهم وجوه مدیریتی رسول خدا^(ص)، یعنی مدیریت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی متناسب با زمینه‌های جغرافیایی و مقتضیات تاریخی، و زدودن پوسته‌های ظاهری و دریافت لب سیره آن حضرت در محدودهٔ جزیرهٔ العرب.

وصف مکان‌هایی که مرتبط با وقایع عصر نبوی هستند و حوادثی چون هجرت، جنگ‌ها، صلح‌ها، و معاهده‌ها در آن‌ها رخ داده‌اند، نیز چنین جایگاهی دارد. به‌ویژه آنچه جغرافی‌دانان مسلمان دربارهٔ مدینه‌النبی آورده‌اند، امکان مقایسهٔ اوضاع و شرایط این شهر را، قبل و بعد از هجرت نبوی، فراهم می‌کند و اطلاعاتی از اقدامات پیامبر در شکل‌دهی مدینه و پایه‌ریزی مدنیت و تمدن و مدیریت شهری مبتنی بر آموزه‌های قرآنی به دست می‌دهد. یعقوبی (متوفای ۲۸۴ ق) در *البلدان* (۱۵۲)، به طراحی خانه‌های مدینه، که پراکنده بودند، توسط پیامبر^(ص) و متمرکز کردن آن‌ها و صورت شهری دادن به مدینه اشاره کوتاهی کرده است. ابن‌فقیه (متوفای ۳۶۵ ق) هم در *البلدان* (۸۱) به تعیین محل خانه‌های قبایل و اشخاص اشاره کرده که حاکی از مدیریت شهری مدینه، توسط پیامبر است.

ذکر موطن، مسکن، و مدفن برخی صحابه هم در این نوشته‌ها، داده‌های مهمی را در بررسی حضور صحابه در مناطق مختلف و نقش آنان در فرایند گسترش جغرافیایی اسلام دربردارد.

۶. کتاب‌های کلامی

مؤلفان کتاب‌های کلامی، به اقتضای موضوع، با دلایل نقلی و عقلی به اثبات نبوت پیامبر^(ص) پرداخته‌اند؛ به این ترتیب که ابتدا نبوت انبیا را ثابت کرده و سپس، از طریق اشاره به اخبار کتب آسمانی، علائمی که در زمان ولادت پیامبر بروز کرد، کرامات ایشان در کودکی، برکات وجودی، و معجزات آن حضرت، نبوت ایشان را اثبات کرده‌اند. ارتباط

۱. مضمون سخن پیامبر^(ص) که «لاتعرب بعد الهجرة» (کلینی، ۴۴۳/۵) خود مؤید این معناست، زیرا محیط و شرایط جغرافیایی بادیه اساساً اقتضای پیدایش و توسعهٔ تمدن و شهرنشینی را ندارد.

این‌گونه کتاب‌ها با بایسته‌های مذکور در مقدمه این مقاله، در اثبات رسالت و شأن تشریحی رسول خدا^(ص) است. اما برخی از کتاب‌های کلامی به دیگر ابعاد وجودی رسول خدا^(ص) هم پرداخته و اسوه بودن آن حضرت را از یک‌سو، در ارتباط با شأن نبوتی ایشان و از سوی دیگر، در پیوند با شأن بشری و رفتار اجتماعی آن حضرت تبیین کرده‌اند. برای نمونه، ابوحاتم رازی (متوفای ۳۲۲ ق) در *اعلام النبوة* (۷۷-۸۵)، برخی سجایای اخلاقی رسول خدا، همچون صدق، سخا، حلم، وقار، وفا، و تواضع، و قاضی عبدالجبار معتزلی (متوفای ۴۱۵ ق) در *تثبیت دلائل النبوة* (۵۰-۵۱)، سختی‌های دوره کودکی آن حضرت، از قبیل یتیمی و تنهایی ایشان را دلیل بر رسالت، حقانیت، و اسوه بودن آن حضرت دانسته‌اند. برخی کتاب‌های گونه کلامی، به استمرار این «اسوه» نیز نظر داشته‌اند، چنان‌که اساساً نبوت را برای کمال و فعلیت استعدادهای بشر و قوام و دوام جامعه بشری ضروری دانسته‌اند (نصیرالدین طوسی، ۲۱۲) و امامت را استمرار نبوت و لاجرم، وجود آن را لازم شمرده‌اند (همان، ۲۲۲). از این‌رو، ذیل عناوین مرتبط با وصایت و ولایت علی بن ابی‌طالب^(ع)، توجه پیامبر را به تثبیت و استمرار حرکت تمدنی نشان داده‌اند و به آیاتی از قرآن (همان، ۲۲۵، ۲۳۷-۲۳۸) و مواردی همچون بیعت گرفتن‌های آن حضرت برای علی^(ع) (ابن طاووس، ۱۲۱) استدلال کرده‌اند.

نتیجه

با توجه به (۱) اهمیت و نقش محوری سیره نبوی در فرهنگ و تمدن اسلامی، (۲) ضرورت بازشناسی مبانی سیره، (۳) نقش منابع در این بازشناسی، و (۴) بایسته‌های منبع‌شناسی سیره نبوی، که در مقدمه ذکر شد، شش گونه از نوشته‌های مسلمانان تا پایان سده هفتم هجری، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌های این پژوهش:

(۱) قرآن کریم، منبع اصلی سیره نبوی است و معیارها و شئون مختلف و ابعاد شخصیتی پیامبر اکرم^(ص) از آن برداشت می‌شود. کتاب‌های تفسیری تا پایان سده هفتم هجری کمتر دارای چنین امتیازی هستند و مطالب مربوط به بایسته‌ها در آن‌ها پراکنده است.

(۲) کتاب‌های گونه حدیثی، علاوه بر تبیین شأن تشریحی رسول خدا، با گزارش‌هایی که از زندگی پیامبر^(ص) قبل از بعثت، مسئله هجرت و چگونگی آن، بیان ویژگی‌های فردی، مناسبات خانوادگی، اجتماعی، و بین‌المللی آن حضرت و نحوه مدیریت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و نظامی مدینه به دست می‌دهند، در بازشناسی شأن و سیره مدیریتی پیامبر^(ص) بسیار مفید و مؤثرند.

۳) کتاب‌های گونه شرح احوال، منابع ارزشمندی‌اند در استنباط مدیریت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و بین‌المللی پیامبر اکرم^(ص)، و به‌ویژه در بررسی سیره آن حضرت در ایجاد همبستگی اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی و پایه‌ریزی تمدن اسلامی، شکل‌گیری الگوی مدینه‌النبی در جزیره‌العرب، و بسط آن توسط صحابه به سرزمین‌های مجاور.

۴) کتاب‌های گونه فتوح و خراج در تبیین شأن تشریحی رسول خدا^(ص) در مسائل مالی و نظامی و الگوی مدیریتی آن حضرت در گسترش اسلام، برقراری مناسبات اجتماعی و تعاملات فرهنگی با پیروان دیگر ادیان و فرهنگ‌ها، اجرای احکام مالی و مالیاتی، و حقوق و آداب جنگ حائز اهمیت‌اند و جایگاه و نقش سنت نبوی در ارکان سیاسی، اقتصادی، و حتی نظامی تمدن اسلامی را به دست می‌دهند.

۵) کتاب‌های گونه جغرافیایی، به‌ویژه مطالب مختص به مدینه‌النبی در این کتاب‌ها، در دریافت لبّ سیره مدیریتی رسول خدا^(ص) در محدوده جزیره‌العرب و روشن شدن گوشه‌ای از اقدامات پیامبر در شکل‌دهی مدینه، پایه‌ریزی مدنیت و مدیریت شهری مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، و سیاست‌گذاری‌های راهبردی و کلان فرهنگی و تمدنی آن حضرت منابع مهمی محسوب می‌شوند. اطلاعات شهرهای مرتبط با صحابه در این آثار نیز، حضور و نقش آنان در فرایند گسترش جغرافیایی اسلام را روشن می‌کنند.

۶) کتاب‌های گونه کلامی در اثبات رسالت و شأن تشریحی رسول خدا^(ص) و اسوه بودن آن حضرت، بر اساس شئون تشریحی و بشری آن حضرت مفید فایده بسیارند. کتاب‌های کلامی شیعه مفهوم اسوه را در بیان مسئله جانشینی پیامبر^(ص)، بر پایه اصل امامت، استمرار بخشیده‌اند و از این حیث، نگاهی متفاوت و متمایز با کتاب‌های کلامی اهل سنت دارند.

منابع

افزون بر قرآن کریم؛

نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ ش.

ابن اثیر، عزالدین علی، اللباب فی تهذیب الانساب، قاهرة: مكتبة المقدسی، ۱۳۵۷ ق.

ابن حبان، ابوحاتم محمد، صحیح، چاپ شعيب الارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۳.

ابن سلام جمحی، محمد، طبقات الشعراء، چاپ طه احمد ابراهیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.

ابن طاووس حسنی، علی بن موسی، سعد السعود، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۶۹ ق.

- ابن عربی، محیی‌الدین، *تفسیر ابن عربی*، چاپ سمیر مصطفی رباب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
- ابن فقیه همدانی، احمد بن محمد، *البلدان*، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۶ ق.
- ابوجعفر طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، چاپ احمد حبیب قصیر العاملی، [قم]: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
- ابوحاتم رازی، احمد بن حمدان، *اعلام النبوة*، چاپ صلاح الصاوی و غلامرضا اعوانی، تهران: انجمن فلسفه ایران، ۱۳۹۷ ق.
- ابوداوود سجستانی، سلیمان بن اشعث، *سنن*، چاپ سعید محمد اللحام، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۰ ق.
- ابویوسف قاضی، یعقوب بن ابراهیم، *الخراج*، قاهره: المطبعة السلفية و مکتبته، ۱۳۵۲ ق.
- احمد، نفیس، *خدمات مسلمانان به جغرافیا*، ترجمه حسن لاهوتی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ ش.
- بغدادی، حماد بن اسحاق، *ترکة النبی*، چاپ اکرم ضیاء العمری، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۰۴ ق.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبة الهلال، ۱۹۸۸.
- ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی*، چاپ عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.
- همو، *الشمائل المحمدية و الخصائل المصطفوية*، چاپ عباس الجلیمی، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافية، ۱۴۱۲ ق.
- تشنر، فرانتس و مقبول احمد، *دانش جغرافیایی مسلمانان*، ترجمه محمدحسن گنجی و عبدالحسین آذرنگ، تهران: نشر کتاب مرجع، ۱۳۸۷ ش.
- حاکم نیشابوری، محمد بن محمد، *المستدرک*، چاپ یوسف المرعشلی، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۶ ق.
- سمعانی، عبدالکریم، *الانساب*، چاپ عبدالله عمر البارودی، بیروت: دار الجنان، ۱۴۰۸ ق.
- صالح، صبحی، *علوم حدیث و اصطلاحات آن*، ترجمه عادل نادرعلی، تهران: اسوه، ۱۳۷۶ ش.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام، *تفسیر القرآن*، چاپ مصطفی مسلم محمد، ریاض: مکتبة الرشد، ۱۴۱۰ ق.
- همو، *مصنف عبدالرزاق*، چاپ حبیب الرحمن الاعظمی، بی‌جا: المجلس العلمی، بی‌تا.
- عبدالجبار همدانی، *تشبیه دلائل النبوة*، چاپ احمد عبدالرحیم السایح و توفیق علی وهبة، قاهره: مکتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۹ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، چاپ هاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبة العلمية الاسلامية، [۱۳۸۰ ق].
- فخرالدین رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

- قدامة بن جعفر، *الخراج و صنعة الكتابة*، چاپ محمد حسين زيبيدي، بغداد: دار الرشيد، ۱۹۸۱.
- قرچانلو، حسين، *جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی*، تهران: سمت، ۱۳۸۰ ش.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم، *لطائف الاشارات*، چاپ ابراهیم بسیونی، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۱.
- قمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، چاپ طیب الجزائری، قم: دار الكتاب، ۱۴۰۴ ق.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الكافی*، چاپ علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ ق.
- لسترنج، گای، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷ ش.
- نصیرالدین طوسی، *تجرید الاعتقاد*، چاپ محمدجواد حسینی جلالی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- یحیی بن آدم، *الخراج*، [قاهره]: المطبعة السلفية و مکتبتها، ۱۳۸۴ ق.
- یعقوبی، احمد ابن ابی یعقوب، *البلدان*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.